

4074

۱۰۵۵
۱
۴۹
برقی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

منطق اجتهاد

تقدیم کا اہل تسنن دراجتہاد صحابہ

حجۃ الاسلام والمسلمین
دکتر سید محمد رحمانی



سرشناسه: رحمانی، سید محمد، ۱۳۴۸
عنوان و نام پدیدآور: اجتهاد صحابه / سید محمد رحمانی.
مشخصات نشر: قم: انتشارات معصومین، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری: ۵۷۸ ص.
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۰-۵۶-۴
موضوع: صحابه -- دیدگاه اهل سنت
موضوع: Muhammad, Prophet, d. ۶۳۲ -- Companions -- Views of Sunnite
موضوع: صحابه -- فضایل
موضوع: Muhammad, Prophet, d. ۶۳۲ -- Companions -- Virtues
موضوع: اجتهاد (اهل سنت)
موضوع: Ijtihad (Sunnites)
رده‌بندی کتبی: ۱۳۹۷ الف ۳۲/۷/۲۳۳ BP
رده‌بندی دیوینی: ۴۵۲/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی: ۵۳۱۱۵۶۲
شناسه:

ارتباط با مؤلف: ۰۹۱۹۱۶۷۷۶۳۶

نام کتاب: مباحث اجتهاد (نقد دیدگاه اهل تسنن در اجتهاد صحابه)
تهیه و تدوین: حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید محمد رحمانی
ناشر: معصومین
ویرایش و ناظر فنی چاپ: حسن حسینی
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۰-۵۶-۴
چاپ: احسان
تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
اول: ۹۷
قیمت: ۶۰۰۰۰ تومان
حق چاپ برای مؤلف، محفوظ است

مرکز پخش

قم: خیابان ارم، جنب کوچه ۱۱، زیرزمین داروخانه نصر، انتشارات نصرین
تلفن: ۰۲۵۳۷۷۴۸۸۱۸، همراه: ۰۹۱۲۴۵۲۴۸۸۲

Nashr.masomin14@gmail.com

تهران: میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، پاساژ مهستان، طبقه بالا، انتشارات صلا
تلفن: ۰۲۱۶۶۹۴۳۸۲۵

تحمید

الحمد لله الذي جعلنا من المسلمين بولاية أمير المؤمنين والائمة عليهم السلام

تقديم نامه

تقديم به سيده انبياء عظام از آدم تا حاتم الانبياء والمرسلين (عليه السلام)

و اوصيای کرامی اش (علیهم آلا ف التحية والثناء)،

به ویژه منجی عالم بشریت بقیة الله الاختم امام زمان

(ارواحنا لتراب مقدمه الفدا).



سپاسگزاری

باسپاس از چندین وجود مقدس:

آنان که ناتوان شدند تا ما به توانایی برسیم...

موباشان سپید شد تا ما رو سفید شویم...

به خون خود غلطیدند تا ما در امان باشیم...

حاشانه سوختند تا ما با بخش وجود ما و روشکر راهمان باشند...

پدرانمان، مادرانمان،

شهادی راه دینداری و ولایت داری، استادانمان،

و همه کسانی که در رشد و شکوفایی ما نقشی داشته اند، به ویژه

همسربا و فامهربانی که چون شمع روشنی محفل ما هستند،



فهرست مطالب

۷.....	فهرست مطالب
۱۵.....	پیشگفتار
۱۸.....	نکاتی به عنوان مقدمه بحث
۳۹.....	فصل اول: تعاریف تسنن، صحابه، اجتهاد و اقسام آن
۳۹.....	گفتار اول) تعاریف
۳۹.....	۱- تسنن از نظر لغت و اصطلاح
۴۵.....	۲- صحابه از نظر لغت و اصطلاح
۴۷.....	نقد تعریف اجتهاد اهل تسنن برای صحابه
۵۵.....	۳- اجتهاد از نظر لغت و اصطلاح
۵۷.....	نقدی کوتاه به تعاریف فقهاء برای اجتهاد
۶۱.....	گفتار دوم) اقسام اجتهاد
۶۱.....	الف) تقسیم اجتهاد به لحاظ «موضوع»
۶۱.....	۱) مصنوعات شارع
۶۲.....	۲) مصنوعات عرف عقلاء
۶۲.....	ب) تقسیم اجتهاد به لحاظ «محمول»
۶۲.....	۱) اجتهاد مستند به نص
۶۳.....	۲) اجتهاد غیر مستند به نص
۶۴.....	ج) تقسیم اجتهاد به لحاظ فاعل (مجتهد)
۶۵.....	۱) مطلق و متجزی
۶۵.....	۲) مصیب و مخطئ
۶۵.....	ا) تصویب
۶۶.....	ب) تخطئه
۶۷.....	د) تقسیم اجتهاد به لحاظ طبقات مجتهدین
۷۳.....	فصل دوم: مبانی دیدگاه اهل تسنن در اجتهاد صحابه و اشکالات وارده
۷۶.....	گفتار اول) بیان مبانی دیدگاه اهل تسنن در اجتهاد صحابه
۷۶.....	الف- مبانی اول (تفویض) و بیان آن
۷۷.....	۱- مستندات مبانی اول دیدگاه اهل تسنن
۸۳.....	۲- نقدهای تفویض (مبانی اول دیدگاه اهل تسنن)
۸۳.....	نقد اول مبانی تفویض
۹۶.....	نقد دوم مبانی تفویض
۹۹.....	ب- مبانی دوم (تصویب) و بیان آن
۱۰۰.....	توضیح مبانی تصویب و استنادات آن



- ۱- نقد مبنای تصویب (مبنای دوم دیدگاه اهل تسنن)..... ۱۰۲
- ۲- تفصیل مبنای دوم (تصویب) و استلزامات آن ۱۰۷
- مستلزم اول و مستندات مبنای تساوی اجتهادات صحابه با سنت پیامبر (مبنای «الف» از مبنای دوم) ۱۰۷
- تحلیل و نقد مبنای تساوی حجیت اجتهادات صحابه با سنت رسول الله (مبنای «الف» از مبنای دوم) ۱۱۲
- نقد های مبنای مساوی بودن اجتهادات صحابه با سنت پیامبر (مبنای «الف» از مبنای دوم) ۱۱۳
- مستلزم دوم و مستندات عدم جواز چون و چرا در حجیت رفتار و اجتهادات صحابه (مبنای «ب» از) ۱۳۴
- نقد مبنای عدم جواز چون و چرا در حجیت رفتار و اجتهادات صحابه (مبنای «ب» از مبنای دوم) ۱۳۶
- ۳- مبنای سوم (بیروی از نیاکان) و بیان آن ۱۳۹
- ۱- مستندات مبنای سوم دیدگاه اهل تسنن (بیروی از نیاکان) ۱۴۰
- ۲- تحلیل مبنای سوم دیدگاه اهل تسنن (بیروی از نیاکان) ۱۴۳
- ۳- نقد مبنای سوم دیدگاه فوق (بر اساس آیه ۲۲ سوره زخرف) ۱۴۴
- بیان توضیحی آیه فوق و استنتاج آن ۱۴۵
- گفتار دوم) در بیان نقشه مبنای دیدگاه اهل تسنن در اجتهاد صحابه ۱۴۸
- الف) عدالت مطلق مطلق صحابه ۱۴۹
- مستندات ادعای عدالت مطلق مطلق صحابه ۱۵۳
- آیات ادعایی نسبت به عدالت مطلق مطلق صحابه ۱۵۳
- ۱- آیه بیست و نهم سوره فتح ۱۵۳
- بیان مدعای اهل تسنن در آیه فوق ۱۵۴
- ۲- آیه صد و ده سوره آل عمران ۱۵۵
- بیان مدعای اهل تسنن در آیه فوق ۱۵۶
- ۳- آیه صد و چهل و سوم سوره بقره ۱۵۶
- بیان مدعای اهل تسنن در آیه فوق ۱۵۶
- ۴- آیه هیجدهم سوره فتح (آیه رضوان) ۱۵۷
- بیان توضیحی مدعای اهل تسنن نسبت به آیه فوق ۱۵۷
- ۵- آیه یک صدم سوره توبه ۱۵۸
- بیان مدعای اهل تسنن در آیه فوق ۱۵۹
- روایات ادعایی در عدالت مطلق مطلق صحابه ۱۶۵
- بیان مدعای اهل تسنن در روایات فوق ۱۶۶
- ب) نقد مبنای عدالت مطلق مطلق صحابه ۱۶۸
- نقد مدعای اهل تسنن نسبت به آیه بیست و نهم سوره فتح ۱۷۱
- نقد مدعای اهل تسنن نسبت به آیه صد و ده سوره آل عمران ۱۷۹
- نقد مدعای اهل تسنن نسبت به آیه صد و چهل و سوم سوره بقره ۱۸۲
- نقد مدعای اهل تسنن نسبت به آیه بیعت رضوان ۱۹۰

نقد مدعای اهل تسنن نسبت به آیه یک صدم سوره توبه	۱۹۵
نقد مدعای اهل تسنن نسبت به روایات ادعایی آنان	۲۰۲
فصل سوم: ادله دیدگاه اهل تسنن در اجتهاد صحابه و اشکالات وارده	۲۱۱
گفتار اول) دلیل نخست، معذور، منجز و حجت بودن اجتهاد صحابه	۲۱۲
الف) مستندات دلیل اول دیدگاه اهل تسنن در اجتهاد صحابه	۲۱۳
ب) تحلیل‌ها و نقدهای دلیل اول دیدگاه اهل تسنن	۲۱۶
تحال اول دلیل اول: درون دینی و برون دینی بودن اجتهاد صحابه و نقد آن	۲۲۳
تحلیل دوم دلیل اول: مطلق و محدود بودن اجتهاد صحابه و نقد آن	۲۳۰
منشأ حدود در محدود بودن اجتهاد	۲۳۲
تحلیل سوم دلیل اول: حدود و نقد اجتهاد و تبیین قلمرو آن	۲۳۷
نگاه اول) مصادیق حدود اجتهاد و نقد آن	۲۳۷
۱- عدم مخالفت با «مخالفت عقلیه»	۲۳۷
۲- عدم مخالفت با طاعت الله	۲۴۲
۳- عدم مخالفت با طاعت انبی (علیهم السلام)	۲۴۳
۴- عدم مخالفت با طاعت اولی الامر مطلق	۲۵۰
نگاه دوم: براهین اثبات مصادیق حدود اجتهاد	۲۵۱
۱- برهان شرعی بر عدم مخالفت با طاعت الله و طاعت انبی (علیهم السلام)	۲۵۲
۲- برهان عقلی بر عدم مخالفت با طاعت الله و طاعت انبی (علیهم السلام)	۲۵۸
نگاه سوم) براهین اثبات مصادیق حاذ بودن «اولی الامر» برای اجتهاد	۲۶۲
۱- برهان شرعی بر عدم مخالفت با طاعت «اولی الامر»	۲۶۳
۲- برهان عقلی بر عدم مخالفت با طاعت «اولی الامر»	۲۶۴
یکم: حق طاعت مطلق از اولی الامر مطلق	۲۶۴
دوم: برهان استحاله عطف مشروط بر مطلق در عطف «اولی الامر» به «الرحول»	۲۶۷
سوم: تبصرهای در اطلاق «اولی الامر»	۲۶۸
بیان استحاله فوق	۲۶۹
الف) اجتماع ضدین	۲۶۹
ب) اجتماع نقیضین	۲۷۰
ج) ارتفاع نقیضین	۲۷۱
چهارم: بیانی در عصمت «اولی الامر»	۲۷۲
تعریف عصمت	۲۷۲
بیان روش‌تر در لزوم عصمت	۲۷۴
پنجم: لزوم اطلاق عصمت و اثبات علم غیب برای ولی امر مطلق	۲۷۶
استبعادی در عالم بودن «اولی الامر» نسبت به جمیع ممکنات	۲۷۷



۲۷۷	دفع استبعاد فوق.....
۲۷۹	تحلیل چهارم دلیل اول: قلمرو ابزار اجتهاد صحابه و نقد آن.....
۲۸۰	الف) تحلیل و نقد کبروی ابزار اجتهاد.....
۲۸۳	۱- ابزار معینه‌ی توأم با هدف مؤیده.....
۲۸۳	۲- ابزار معینه‌ی توأم با هدف غیر مؤیده.....
۲۸۴	۳- ابزار غیر معینه‌ی جایزه‌ی توأم با هدف مؤیده.....
۲۸۴	۴- ابزار غیر معینه‌ی جایزه‌ی توأم با هدف غیر مؤیده.....
۲۸۴	۵- ابزار غیر معینه‌ی غیر جائزه‌ی توأم با هدف مؤیده.....
۲۸۷	۶- ابزار غیر معینه‌ی غیر جائزه‌ی توأم با هدف غیر مؤیده.....
۲۸۸	ب) تحلیل و تبیین صغروی ابزار اجتهاد.....
۲۸۸	۱- اصل.....
۳۰۱	۲- کتاب الله.....
۳۱۰	۳- سنت نبوی (ص).....
۳۲۰	نگاه چهارم) تنمیه بحث حدود و ابزار اجتهاد.....
۳۲۰	الف- فرق ابزار اجتهاد و حدود آن.....
۳۲۲	ب- اتحاد حدود و ابزار.....
۳۲۳	ج- لزوم التزام به ابزار و حدود الهی.....
۳۲۴	د- اجماع و جایگاه آن در حدود و ابزار اجتهاد.....
۳۲۵	نگاه پنجم) پاسخ به برخی از شبهات مربوط.....
۳۲۶	الف) پاسخ به شبهه تساوی اجتماع اصحاب و سبیل المؤمنین (نساء/ ۱۱۵).....
۳۲۸	ب) پاسخ از روایات عدم اجتماع ائمت به خطاء.....
۳۳۸	گفتار دوم) دلیل دوم دیدگاه اهل تسنن (عصر صحابه، عصر تقریبی).....
۳۳۸	۱- مستندات دلیل دوم دیدگاه اهل تسنن.....
۳۳۹	۲- نقد دلیل دوم دیدگاه اهل تسنن.....
۳۴۰	۳- واژه‌های مهم در روایت فوق (فَوَجَدَتْ فَاطِمَةَ عَلَى أَبِي بَكْرٍ).....
۳۴۲	۴- استنتاجات مشخص، از آیات و روایات در ادله اهل تسنن.....
۳۴۵	گفتار سوم) دلیل سوم (مقتضای نصوص آیات و اخبار، اجماع در اجتهاد صحابه).....
۳۴۵	۱- مستندات دلیل سوم دیدگاه اهل تسنن.....
۳۴۶	۲- تحلیل دلیل سوم دیدگاه اهل تسنن.....
۳۴۸	۳- نقدهای دلیل سوم دیدگاه اهل تسنن.....
۳۵۳	گفتار چهارم) دلیل چهارم (توصیف اصحاب و اجتهادات آنان به کمال طهارت در سنت).....
۳۵۴	۱- مستندات دلیل چهارم دیدگاه اهل تسنن.....
۳۵۶	۲- تحلیل دلیل چهارم دیدگاه اهل تسنن.....

- ۳-نقد‌های دلیل چهارم دیدگاه اهل تسنن ۳۵۷
- گفتار پنجم (دلیل پنجم (واسطه بودن اصحاب برای رساندن دین و شریعت) ۳۵۹
- ۱-مستندات دلیل پنجم دیدگاه اهل تسنن ۳۵۹
- ۲-تحلیل دلیل پنجم دیدگاه اهل تسنن ۳۶۰
- ۳-نقد‌های دلیل پنجم دیدگاه اهل تسنن ۳۶۱
- فصل چهارم: آثار و پیامدهای دیدگاه اهل تسنن در اجتهاد صحابه و اشکالات وارده ۳۸۳
- تحلیل اول) بایستی پای‌بندی صحابه به ابزار و حدود اجتهاد و نقد آن ۳۸۴
- الف) بررسی کبروی سنت رسول الله (ﷺ) در عصر صحابه ۳۸۵
- ب) بررسی صفوی پای‌بندی صحابه به سنت پیامبر (ﷺ) و نقد اجتهاد آنان ۳۹۰
- ۱-تفرقه در سنت پیامبر (ﷺ) و نتیجه آن ۳۹۱
- ۲-بررسی رفتار اصحاب با سنت و نقد اجتهاد آنان ۳۹۶
- تحلیل دوم) اجتهاد ابوبکر و عدم پای‌بندی او به سنت رسول الله (ﷺ) ۳۹۹
- ۱-منع نقل سنت رسول الله (ﷺ) ۳۹۹
- ۲-آتش زدن به احادیث و محو سنت پیامبر (ﷺ) ۳۹۹
- توضیحات و استنتاجات اجمالی از دو روایت فوق ۴۰۱
- ۳-اجتهاد ابابکر در پذیرش فرمان رسول الله (ﷺ) و مخالفت وی با حضرت نسبت به جیش اسامه ۴۱۷
- شبهه عدم مخالفت ابابکر از رسول الله (ﷺ) و مأمور بودن وی در جیش اسامه ۴۱۸
- پاسخ شبهه عدم مأمور بودن ابوبکر در سپاه اسامه ۴۱۸
- تحلیل سوم) بررسی سنت رسول الله (ﷺ) در عصر خلافت عمر و نقد اجتهادات او ۴۲۴
- ۱-ممنوع کردن انتشار سنت و قرنطینه قرار دادن اصحاب روات ۴۲۴
- نتیجه‌گیری‌های نقادانه از اجتهادات عمر نسبت به راویان سنت ۴۲۵
- دفع توهم بدبینی نسبت به عمر ۴۳۰
- ۲-آتش زدن به احادیث رسول الله (ﷺ) و فریب دادن مسلمانان ۴۳۲
- استنتاجات انتقادی از دو روایت فوق ۴۳۴
- توجیهات عمر برای سوزاندن سنت رسول الله (ﷺ) ۴۳۸
- پاسخ توجیهات مربوطه نسبت به سوزاندن سنت رسول الله (ﷺ) توسط عمر ۴۳۹
- ۳-دستور اکید حکومتی عمر برای محو سنت رسول الله (ﷺ) ۴۵۱
- نتیجه‌گیری کوتاه از روایت فوق ۴۵۲
- ۴-اجتهاد عمر و نشانه عدم ایمان وی به رسول الله (ﷺ) ۴۵۲
- توضیحی در بیان واژه «لفظ» ۴۵۵
- توضیحاتی کوتاه در پیرامون مسئله فوق: ۴۶۱
- دفع شبهات مطرح شده نسبت به مخالفت عمر با رسول الله (ﷺ) ۴۷۹
- اول) توجیهات و شبهات هفتگانه جناب آقای محمد فؤاد عبد الباقی و دفع آن ۴۷۹



شبهه اول) این برداشت ابن عباس بود!.....	۴۷۹
پاسخ به اشکال اول محمد فؤاد عبد الباقي.....	۴۸۰
شبهه دوم) مسحور خواندن پیامبر (ﷺ).....	۴۸۳
پاسخ از شبهه سحر.....	۴۸۳
شبهه سوم) مصداق خواسته پیامبر (ﷺ) چه بود؟.....	۴۸۷
پاسخ شبهه عدم تعیین مصداق.....	۴۸۷
الف) برای نوشتن رسول الله (ﷺ) و مقاومت عمر.....	۴۸۷
ب) صغرای نوشتن رسول الله (ﷺ) و مقاومت عمر.....	۴۸۸
شبهه چهارم) اگر لازم بود علی (رضی الله عنه) اقدام میکرد.....	۴۹۶
پاسخ شبهه عدم اقدام علی (رضی الله عنه).....	۴۹۶
شبهه پنجم) اگر لازم بود چرا بعداً خود رسول الله (ﷺ) ننوشتند؟.....	۵۰۲
پاسخ شبهه عدم پیگیری رسول الله (ﷺ) برای نوشتن.....	۵۰۳
شبهه ششم) چرا نوشتن نشد نه برای نسل‌های آتی به حجت باشد، پس لازم نبود.....	۵۰۴
پاسخ شبهه‌ی این که اگر نوشته بودند برای آتی حجت می‌شد.....	۵۰۴
شبهه هفتم) مخالفت عمر با نوشتن رسول الله (ﷺ) دلیل بر فضل و فهم عمیق او است.....	۵۰۶
پاسخ به شبهه فضل و فهم عمر.....	۵۰۷
دوم) توجیهات و شبهات جناب آقای خطابی، دفع آن.....	۵۱۵
الف) کلام عمر را باید توجیه کنند.....	۵۱۵
ب) سخن پیامبر (ﷺ) سخن شخص مریض بودند.....	۵۱۵
ج) ممکن بود سخنی بگوید که منافقان را شاد کند.....	۵۱۵
د) اولین بار نبود که اصحاب، دستور رسول الله (ﷺ) را جدی نگیرفتند.....	۵۱۵
پاسخ به اشکال و شبهات چهارگانه آقای خطابی.....	۵۱۶
سوم) توجیه و شبهه جناب آقای ابن اثیر و دفع آن.....	۵۲۱
پاسخ به توجیه و شبهه ابن اثیر.....	۵۲۲
چهارم) دفع توجیه و شبهه جناب آقای کرمانی.....	۵۲۳
پاسخ به اشکال و شبهه آقای کرمانی.....	۵۲۴
پنجم) دفع توجیه و شبهه جناب قاضی عیاض.....	۵۲۷
پاسخ به توجیه قاضی عیاض.....	۵۲۸
تحلیل چهارم) بررسی سنت رسول الله (ﷺ) در عصر عثمان و نقد اجتهادات او.....	۵۳۰
۱-ظاهراً عثمان به همه چیز به غیر از قرآن آتش نزد.....	۵۳۰
۲-اجتهادات عثمان و منع نقل سنت رسول الله (ﷺ).....	۵۳۲
نتیجه گیری چند از متون فوق.....	۵۳۲
تحلیل پنجم) بررسی سنت رسول الله (ﷺ) در عصر معاویه و نقد اجتهادات او.....	۵۳۴



- ۵۳۵..... نتیجه گیری های کوتاه از بیان معاویه
- ۵۴۳..... جمع بندی کلی محتوای کتاب
- ۵۵۱..... فهرست منابع
- ۵۷۷..... گزیده ای از منشورات انتشارات معصومین (عج)
- ۵۷۸..... کتب در نوبت چاپ مؤلف

پیشگفتار

با توجه به موضوع کتاب حاضر که «بررسی و نقد دیدگاه اهل تسنن در اجتهاد صحابه» است، نظر به تعریف لغوی و اصطلاحی اجتهاد، لازم است دیدگاه اهل تسنن نسبت به جایگاه اجتهاد مجتهد، بررسی شود: بعضی به تصویب و بعضی به تخطئه قائلند. مصوبه می‌گویند: قبل از اجتهاد مجتهد، اگر نسبت به هر واقعه‌ای نصی به ظاهر، از سوی خدا موجود معلوم نباشد، حکمی هم وجود نخواهد داشت،^۱ نیز عمده محققین آنان می‌گویند: «حکم الله تابع همان ظنی است که مجتهد با اجتهادش بدان رسیده است.»^۲ مخطئه نیز معتقدند برای مجتهدی که مخطی است، یک اجر و ثواب وجود دارد.^۳ هرچند در این میان بعضی نیز هستند، مجتهدی را که مخطی است، فقط معذورش می‌خوانند.^۴ این دیدگاه‌های اهل تسنن در مطلق اجتهاد مجتهد است. اما تمام یا اکثریت غالب اهل تسنن، با همه تفاوت‌هایی که دارند، اعم

۱- فإن لم یکن لله تعالی فیها حکم فهذا قول من قال کل مجتهد مصیب و هم منکر المتکلمین منا کالاشعری و القاضي ابی بکر و من المعتزلة کابی الهذیل و ابی علی و ابی هاشم و أتباعهم کتاب المحصول، فخر الرازی، ج ۶ ص ۳۴. فَقَدْ بَيَّنَّا أَنَّ ذَلِكَ حُكْمٌ فِي حَقِّ مَنْ بَلَغَهُ لَا فِي حَقِّ مَنْ لَمْ يَبْلُغْهُ. المستصفي من علم الأصول غزالي، ج ۲ ص ۴۳۲.

۲- الذي ذهب اليه محققو المصوبة أنه ليس في الواقعة التي لانص فيها حكم معين بطالب بالظن بل الحكم يتبع الظن و حكم الله علي كل مجتهد ما غلب علي ظنه و هو المختار و اليه ذهب القاضي. «المستصفي» غزالي، ج ۱ ص ۴۱۶. کتاب المحصول، فخر الرازی، ج ۶ ص ۳۴.

۳- فالأول له أجران أجر الاجتهاد واجر الإضابة والآخر له أجر الاجتهاد فقط و قد تقدمت الإشارة إلى وقوع الخطأ في الاجتهاد، فتح الباري شرح صحيح البخاري، ابن حجر العسقلاني الشافعي، ج ۱۳ ص ۳۲۰.

۴- همچنانکه ابن حجر از قول خطابی نقل می‌کند: «قَالَ الْخَطَّابِيُّ فِي مَعَالِمِ التَّسَنُّنِ إِنَّمَا يُؤْجَرُ الْمُجْتَهِدُ إِذَا كَانَ جَامِعًا لَأَلَّةِ الاجْتِهَادِ فَهُوَ الَّذِي نَعَزُّهُ بِالْخَطَا بِخِلَافِ الْمُتَكَلِّفِ فَيَخَافُ عَلَيْهِ نَمُّ إِنَّمَا يُؤْجَرُ الْعَالِمُ لِأَنَّهُ اجْتِهَادُهُ فِي طَلَبِ الْحَقِّ عِبَادَةٌ هَذَا إِذَا أَضَابَ وَ إِنَّمَا إِذَا أَخْطَأَ فَلَا يُؤْجَرُ عَلَى الْخَطَا بَلْ يَوْضَعُ عَنْهُ الْإِثْمُ فَقَطْ كَذَا قَالَ وَكَأَنَّهُ يَرَى أَنَّ قَوْلَهُ وَ لَهُ أَجْرٌ وَاحِدٌ مَجَازٌ عَنْ وَضْعِ الْإِثْمِ»، فتح الباري شرح صحيح البخاري، ابن حجر العسقلاني الشافعي، ج ۱۳ ص ۳۲۰.



از مصوبه و مخطئه، به لحاظ این که هر کدام از صحابه را به نحو موجب کلیه عادل می‌دانند،^۱ همه رفتارها و فعل و ترکشان را بر اساس اجتهاد دانسته و اجتهاداتشان را تا قیامت، برای امت اسلام حجت معرفی می‌کنند و گناهان بعضی از آنان را نیز به پای اجتهاداتشان گذاشته، بدین وسیله برایشان اجر و ثوابی هم قائل شده‌اند.^۲

طبق مبانی آشکار و پنهان و دلایل خود، مدعی هستند: «همه رفتارهای اصحاب پیامبر (ﷺ) و فعل و ترک آنان، بر اساس اجتهاد است.»^۳ همچنان که صاحب

۱- «ان الصحابة كلهم عدول من لابس منهم الفتنه ومن لم يلبسها» روح المعانی، آلوسی ج ۶ ص ۱۴۰.
«كُلُّهُمْ عُدُولٌ يَقَاتُ» صحيح ابن حبان ج ۶ ص ۴۴۲. شرح سنن أبي داود، عبدالمحسن العباد، ج ۱ ص ۲. مفاتیح الغیب، فخر رازی ج ۲۷ ص ۱۴۲.

۲- عبد الرحمن بن ملجم المرادي قاتل علی رضي الله عنه علی غلبي لعنه الله ورَضِي عَنْ ابْنِ مِلْجَمٍ [رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ] فَقَالَ: «يَا صَرْبَةَ مِنْ تَقِيٍّ مَا أَرَادَ أَفْضَلَ أَهْلِ الْأَرْضِ وَأَكْرَمَهُمْ فِي الْأَعْمَادِ. الْفَصْلُ فِي الْمَالِ وَالْأَهْلِ وَالنَّحْلِ ج ۴ ص ۱۴۳. لاختلاف بين أخذ من الأمة في أن عبد الرحمن بن ملجم لم يقتل علياً رضي الله عنه إلا متأولاً مجتهداً مقدراً أنه على صواب؛ نزد هیچ‌یک از امت اسلام، اختلافی نیست در این که ابن ملجم تنها از این روی علی (رضی الله عنه) را کشت که اجتهاد کرده و خود را بر صواب می‌دیده است. برای همین مطلب است که شاعر (عمران بن حطان) گفته: (يا صَرْبَةَ مِنْ تَقِيٍّ مَا أَرَادَ بِهَا)... (إِلَّا لِيَبْلُغَ مِنْ ذِي الْعَرْشِ رَحْوَانًا)... (إِنِّي لِأَذْكُرُهُ جِنًّا فَأَخْشَاهُ)... (أَوْفِيَ الْبَرْيَةَ عِنْدَ اللَّهِ مِيزَانًا)؛ ای آن ضربتی که از شخصی صادر شده‌ای که جز رسیدن به رضا و خوشنودی صاحب عرش، هیچ دیگری را اراده نکرده است. واقعاً وقتی که حسابش می‌کنم، از «ابن ملجم» این گونه یاد می‌کنم: به درستی که او انسانی است به میزان حق الهی به بهترین وجه نائل شده است. المحلي بالآثار، ابن حزم، ج ۱۱ ص ۱۳۰. ۱۱ جلدی، ج ۱ ص ۴۸۴. برای اهل دقت و تمام خاطبین محترم واضح است که هرچند ابن ملجم صحابی نبوده و تابعی است و لکن این حیث خصوصیتی ندارد؛ یعنی نمی‌گویند: «این شخص، چون ابن ملجم بود پس چنین و چنان است»، بلکه می‌گویند: «چون این شخص اجتهاد کرده و مجتهد است پس چنین و چنان است. بنابراین، مدعی ما از این استناد و مثال آوردن، این قسمت است، یعنی اولاً به طریق اولی صحابی را مجتهد می‌دانند. ثانیاً ولو جنایتی هم کرده باشند به پای اجتهادشان گذاشته و برایشان ثوابی هم قائل شده‌اند.

۳- «...وَكُنَّا مِنْ أَهْلِ الْإِجْتِهَادِ أَيْضًا؛...» إجمال الإصابة في أحوال الصحابة، صلاح الدين أبو سعيد خليل، ج ۱ ص ۶۶.
الوسع في الطلب... الرد الأمين على كتب عمر أمة الإسلام ورد السهام والقول المبين مؤلف: شريف مراد أبو عمرو ج ۱

«إجمال الإصابة في أقوال الصحابة» دیدگاه علمای اهل تسنن را گزارش داده و می‌نویسد: همه تابعین از امت اسلام که بعد از اصحاب رسول الله (ﷺ) به عرصه وجود قدم گذاشته‌اند، اجماع دارند در این که باید از صحابه نسبت به هرچه از آنان وارد شده تبعیت نمود. باید بدون انکار از آنان پذیرفت و بر اساس نظر آنان فتوی داد؛ زیرا آنان اهل اجتهادند.^۱ برای همین است که می‌بینیم «علامه»^۲ تفتازانی، صاحب شرح المقاصد في علم الکلام و نیز علامه عسقلانی می‌نویسند: تعظیم نمودن صحابه بر هر مکلفی، بر خودداری از مطاعن آن واجب است. همچنین واجب است هرآنچه که به ظاهر موجب طعن است از آنان می‌شنوند باید به محامل نیک حمل نموده و به تأویلات خوب تفسیر نمایند. به ویژه اصحابی که از مهاجرین، انصار، اهل بیعت رضوان، شاهدان بدر، احد و حدیبیه هستند. این کمترین علو شأن صحابه است که اجماع بر آن قائم است.^۳ ایشان همچنین که از دیگر بزرگان اهل تسنن مانند ابوزرعه نقل می‌کند که می‌گویند: «اگر کسی را دیدید که نسبت به فردی از اصحاب رسول

ص ۹ و ۱۵. الترتیب الفرید من شروحات کتاب التوحید، رتبه و اوعده ابی وحید لقمان حسن امین ج ۱ ص ۳۶. فتح المجید شرح کتاب التوحید، تألیف عبد الرحمن بن حسن آل الشیخ، ج ۱ ص ۲۳.

۱- «أن التابعین أجمعوا على اتباع الصحابة فيما ورد عنهم والأخذ بقولهم والفتيا به من غير تكبر من أحد منهم وكنوا من أهل الاجتهاد أيضا... إجمال الإصابة في أقوال الصحابة، صلاح الدین أبو سعید خلیل، ج ۱ ص ۶۶.

۲- به کار بردن عبارات بزرگ تأییدی مانند عنوان «علامه» و مانند آن، برای اشخاصی که از کشف حقیقت مهم‌ترین امثال ولایت ائمه اهل البیت (علیهم‌السلام) عاجز مانده‌اند، صرفاً بر مذاق قوم، منتهی نمودن است نه این که مایلان را لزوماً تأیید می‌نماییم. این معنی بر سراسر نوشته‌های کتاب، حاکم است (دقت کنید).

۳- يجب تعظیم الصحابة و الکف عن مطاعنهم و حمل ما یوجب بظاهرة الظن فیهم علی محامل و تأویلات، سیما المهاجرین و الأنصار و أهل بیعة الرضوان و من شهد بدرأ و أحدأ و الحدیبیة... انعقد علی علو شأنهم الإجماع. (شرح

المقاصد في علم الکلام، التفتازانی، ج ۲ ص ۳۰۳. الإصابة فی تمییز الصحابة ج ۱ ص ۲۵).



الله (ﷺ) نقصی قائل باشد، بدان که وی زندیق و کافر است.^۱ در حالی که طبق گواهی تاریخ همه می دانیم که صحابه، بین خود مشاجرات زیادی داشته اند، بعضی از آنان بعض دیگر را سب و لعن گفته و خون همدیگر را به راحتی می ریختند.

به نظر می رسد این دیدگاه اهل تسنن، امت اسلام، سنی و شیعه را به بسیاری از نزاعات و شقاق کشانده و منشأ سوء استفاده دشمنان و چالش نسل امروز و فردای همه مسلمانان گردیده است. بر این باوریم که یک نقد جدی و روشمند درباره مبانی، ادله و لوازم نظریه فوق، می تواند آن را در بوته ارزیابی قرار دهد و صحت و سقم آن را روشن سازد تا تکالیف بسیاری از نزاعات موجود بین امت مشخص گردد.

نکاتی به عنوان مقدمه بحث

الف) نظر به این که مقصود ما از «بررسی و نقد دیدگاه اهل تسنن در اجتهاد صحابه»، استدلال به براهین عقلی و شرعی است، استدلالی مورد استفاده ما است که نه لزوماً منحصر به پاره ای از اصطلاحات خاصی است که احياناً در یک علم خاصی استفاده می شود. بلکه مواد استدلال در این کتاب براهینی هستند که همانند آلت و ابزاری در هر علمی به عنوان مقیاس حق، به کار گرفته می شوند. با توجه به این که جایگاه صحابه و اجتهادات آنان، مهمترین اصول اهل تسنن را شکل می دهد، نیز نظر به تعریف اجتهاد و طبیعت گسترده آن، مقصود کتاب حاضر از اطلاق و تقیید اجتهاد نیز، این است که آیا هر کس در هر زمینه ای که کوشیده و به نتیجه ای دست یابد، منجز و معدر است، همچنانکه مقتضای دیدگاه بسیاری از اهل تسنن است؟^۲ یا

۱- «إذا رأيت الرجل ينتقص أحداً من أصحاب رسول الله (ﷺ) فاعلم أنه زندیق». الاصابه فی تمییز الصحابه تألیف

عسقلانی، ابن حجر. ج ۱ ص ۱۷ - ۲۲.

۲- فکل بشر یصیب و یخطئ و هو معذور فی خطئه بل مأجور أجراً واحداً و إذا کان بعد تحر و اجتهاد و استقراغ

باید تحت حدود، ابزار، آلات و وسائلی که از سوی نصوص دین (کتاب و سنت) تعیین و مجاز شمرده شده اجتهاد کند تا از خلال آن به حجت الهی نائل آید؟

ب) روی کرد کتاب حاضر بررسی موضوع، به شکل تلفیقی از علم اصول و کلام است که البته از علوم دیگر مثل رجال و درایه و تاریخ نیز بهره برده شده است.

با توجه به جایگاه صحابه و اجتهادات آنان، که نزد اهل تسنن مهمترین عقاید ایمانی آنان را شکل می دهد، با کوچک ترین تأملی روشن می شود که اساس حقانیت حیات مذهب عامه و عقاید ایمانی مذهب اهل تسنن، مبتنی بر اجتهادات صحابه است. به طوری که اگر اعتبار اجتهاد در رفتار و اعمال یکی لاعلی التبعین از صحابه ساقط شود؛ «صحابه مجتهدند هر چه حکم کنند، حکم خدا همان است» را از آنان سلب کنیم. بر این باور باشیم که صحابه، ائوال، اعمال و رفتار اجتهادی آنان لزوماً برخاسته از دین نبوده و ربطی به دین ندارد و تصمیمات آنان در تأیید اعتقادات اهل تسنن صحیح نبوده است، به لحاظ کبروی جمیع عقاید ایمانی آنان نابود شده و اصل اعتقادات عامه اهل تسنن و منشأ ایمان دینی آنان از بین خواهد رفت. همچنان که از علامه عسقلانی به نقل از بزرگان اهل تسنن مانند ابو زرعه گشت.^۱

ج) از نظر این که آحاد اصحاب رسول الله (ﷺ) آیا حق چنین اجتهادی را دارند؟ نیز در صورت اثبات چنین حقی برای آنان، آیا اجتهاد آنان حدودی دارد؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، محدوده و قلمرو آن تا کجا است؟ و...

الوسع فی الطلب... الرد الأمین علی کُتب عُمر أمة الإسلام ورد السهام والقول المبین، شریف مراد أبو عمرو ج ۱ ص ۹ و ۱۵. الترتیب الفرید من شروحات کتاب التوحید، رتبه وأعدده أبو توحید لقمان حسن أمین ج ۱ ص ۳۶. فتح المجید شرح کتاب التوحید، تألیف عبد الرحمن بن حسن آل الشیخ، ج ۱ ص ۲۳.

۱- الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۱ ص ۱۷ - ۲۲.



(د) علاوه بر این، نکات ذیل نیز قابل توجه است:

اولاً همه توجیهات فوق اموری هستند که خود این آقایان برای تأیید مذهب خویش، اقامه نموده‌اند که نه مؤید عقلی دارد و نه شرعی. علاوه بر آن، التزام به آن، مستلزم «دور» باطل نیز هست؛ یعنی حقانیت این دعاوی، متوقف به حقانیت مذهب خود ایشان، حقانیت مذهب نیز متوقف به حقانیت اینگونه دعاوی آنان است.

ثانیاً چنین توجیهاتی که مطرح شد، آقایان فقط برای امامت ابی‌بکر و عمر، مطرح می‌کند و لاغیر.

سوم، در خیال و نیز در کلام این توجیه کنندگان این است که در امامت، شرط علم و آگاهی به تمام احکام و معارف، لازم نیست. حال آن که در جای خود، بطلان این اندیشه به اثبات رسیده است.

چهارم) می‌گویند: جاهل هم که باشند اجتهاد می‌کنند، در نتیجه به یک نتیجه‌ای دست می‌یابند که اگر درست باشد، مصیب هستند، دو ثواب می‌برند. اگر خطاء باشد باز هم به یک ثواب می‌رسند؛ پس خطای ابی‌بکر و عمر، منافات با امامتشان ندارد.

پنجم) در بعضی موارد گفته می‌شود، آن‌ها تواضع و هزم نفس کرده‌اند.^۱

بله این حدّ اکثر توجیهاتی است که مدافعان آن‌ها می‌سک شده‌اند.

۱- منهاج السنة النبویة فی نقض کلام الشیعة القدیریة، ج ۴ ص ۱۶۷. مؤلف: تقی الدین أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم بن عبد السلام بن عبد الله بن أبي القاسم بن محمد ابن تیمیة الحرانی الحنبلی دمشقی (المتوفی: ۷۲۸هـ)، مصنف: محمد رشاد سالم، ناشر: جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۶ هـ - ۱۹۸۶ م، عدد الجلدات: ۹. الطبقات السنیة فی تراجم الحنفیة ج ۱ ص ۱۳۰. مؤلف: تقی الدین بن عبد القادر التیمی الداری الغزی (المتوفی: ۱۰۱۰هـ).

صحیح نسختک من تهذیب الکمال، ج ۱ ص ۴۹۷. مؤلف: عید فهمی، ناشر: دار المحدثین - مصر، ۱۴۲۷هـ.

۲ - بیشتر آنهایی که در پاورقی خود حدیث نام برده شدند، حمل به تواضع و هزم نفس کرده‌اند.

اما همه موارد:

اولاً) مردود هستند.

ثانیاً) در کتب علماء شیعه، بعد از بررسی دقیق، بدون استثناء، جواب کامل داده شده، در صورت نیاز می‌توان مراجعه کرد که تفصیل آن از حوصله این نوشته بیرون است. خلاصه! بحث در این است که آن‌ها می‌گویند:

هرکس، علی‌را برای بکر و عمر مقدّم بدارد، او رافضی و متروک است. در این میان ما در صدد شفاعت و بررسی «ما به التقدّم» و حقّ تقدّم داشتن آن‌ها هستیم. بیانات این آقایان، مثبت مدّعی اهل تسنن نیست، بلکه اگر خیلی خوش بینانه نگاه شود، تنها اثبات می‌کند که آن‌ها فقط معذورند و لاغیر.

پرواضح است که در عالم، بسیاری از مفضولین وجود دارند که معذورند و در عین حال حقّ تقدّم بر هیچ فاضلی ندارند، چه رسد به افضل، پس هیچ‌گونه استحقاق خلافت را ندارند!

به عبارت دیگر:

ابی بکر و عمر، و جهل آنان نسبت به احکام شرعی و معارف قرآنی، چه جهل به اصل موضوع، چه به حکم، چه به هردو و چه نسبت به نعت پیامبر خدا (ﷺ) باشد، -با این که اشخاص کمتر از ابی بکر و عمر (از دیدگاه اهل تسنن) مثل زنا کار و شرابخوار، علم به آن‌ها داشته و متذکر می‌شدند- موجب می‌شود، آن دو در مقایسه با کسانی که به احکام خدا عالم بودند، مفضول باشند.

هرچند در نزد (اهل تسنن) مفضولیت، منافی با امامت نباشد، باز هم نسبت به داشتن



حقّ تقدّم محرومند. «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ؛^۱ آیا آنان که می‌دانند و آنان که نمی‌دانند، مساوی هستند؟!»

ششم) اگر بر فرض محال، بپذیریم که علم و اطلاع تمام، برای امام لازم نباشد و حتی بپذیریم که این گونه جهل به احکام و معارف دینی، منافات با امامت آنان نداشته باشد (که هرگز نمی‌پذیریم) بازهم:

اولاً) مثبت امامت آنان نخواهد بود.

ثاناً) امامت ادعایی آنان، بی‌دلیل و بدون پشتوانه معتبر خواهد بود؛ زیرا در اعتقاد اهل سنن، طبق اظهارات علمای اهل فنّ و نظر آن مذهب، مانند قاضی عضد ایجی^۲ سعد الدین تفتازانی^۳ و دیگران، نصّی بر امامت و خلافت نیست، پس تنهاترین راه اثبات امامت امام افضلیّت و استحقاق او است.

با توجه به عناوین مطرح شده، مرهن شد که افضلیّت هم به اثبات نرسید؛ پس استحقاق آنان مردود بوده و به تبع آن حق امامت آن‌ها نیز به اثبات نمی‌رسد؛ چه این که معلول بی‌علّت، محال است.

هـ) با توجه به این که مجتهد، مکلف است و اجتهاد وی نیز فعلی از افعال او است، موضوع فقه هم افعال مکلفین بوده و قلمرو آن، افعال فردی و اجتماعی مکلفین را شامل است، بنابراین داخل در علم «فقه» نیز می‌تواند باشد.

و) با توجه به آحاد اصحاب رسول الله (ﷺ) و نیز نظر به راوی بودن آنان، این موضوع می‌تواند در رشته «علم الرجال» هم مورد بحث باشد.

۱- زمر/۹.

۲- المواقف في علم الکلام - بشرح الجرجاني - ۸ | ۳۵۴.

۳- شرح المقاصد فی علم الکلام ج ۲ ص ۲۸۱.

ز) نظر به نفس روایت آنان، می‌تواند در رشته علم «درایة الحدیث» نیز مورد بحث واقع شود.

ح) با توجه به این که اجتهاد صحابه، در ظرف زمان واقع شده و یک واقعه تاریخی هم هست، می‌تواند برای رشته علم «تاریخ» هم، به عنوان مسئله، مورد بحث واقع شود.

ط) طبیعت موضوع پژوهش مورد نظر، ایجاب می‌کند که کتاب حاضر، جامع افراد و مانع اغیار باشد در نتیجه، پرداختن به اموری و اجتناب از اموری ضروری است. بنابراین:

اولاً) با استفاده از منابع معتبر از صاحب نظران اهل لسان، به تعریف اجتهاد و تحلیل آن پرداخته‌ایم؛ این گونه تعارف، برای این که به عنوان «اصل موضوعی» مطرح می‌شوند، به لحاظ رعایت اختصار از نقد آنها خودداری نموده‌ایم.

ثانیاً) در این مجموعه، قلمرو اجتهاد و مسأله حدود آن از نظر کبری و صغری تفصیلاً بیان شده است.

ثالثاً) برهاناً اثبات شده که طاعة الله، طاعة النبی و طاعة اولی الامر مطلق، نیز پیروی از قرآن، سنت رسول الله (ﷺ) را نمی‌توان مورد اجتهاد قرار داد.

چهارم) عدم مخالفت با مستقلات عقلیه، طاعة الله، طاعة النبی و طاعة اولی الامر مطلق را مصادیق حدود اجتهاد مجتهد معرفی کرده‌ایم.

پنجم) بعد از خدا و مفروغ عنه بودن عصمت پیامبر (ﷺ) و عدم نیاز آن به اثبات،

با استفاده از منابع معتبر، با ادله عقل و شرع، عصمت «اولی الامر مطلق» را اثبات

کرده‌ایم. علاوه بر آن، اثبات نموده‌ایم که شخص رسول الله (ﷺ) در حیات خویش

خود، «اولی الامر مطلق» نیز بوده است.

ششم) با توجه به درون دینی بودن اجتهاد، لزوم وجود ابزار و تعیین آن از سوی نصوص دین (کتاب و سنت) در اجتهاد درون دینی، خاصه در اجتهاد مورد بحث را اثبات می‌کنیم.

هفتم) برهاناً اثبات شده است که اگر دین، ابزاری را تعیین ننموده و سکوت کرده باشد، در صورت عدم مخالفت مجتهد در اجتهاداتش با عقل و شرع، مجتهد نسبت به انتخاب ابزار، در موضع فراغ است. در نهایت، ابزار فوق الذکر را با حصر عقلی در شش صورت، تفصیلاً بیان کرده‌ایم.

هشتم) بعد از همه موارد فوق، اجتهاد و رفتار خلفاء، امراء و حاکمانی از اصحاب را مورد دقت قرار داده‌ایم که بعد از رسول الله (ﷺ) به صحنه آمدند، رأس قدرت قرار گرفته در عقاید و رفتار امت نیز تأثیر گذاشتند. نیز بررسی و اثبات نموده‌ایم که آنان در اجتهاداتشان نسبت به سنت رسول الله (ﷺ) پای‌بندی لازم را نداشته‌اند. نهم) با توجه به نقد دیدگاه اهل تسنن که عنوان کتاب حاضر است و نظر به طبیعت نقد در هر دیدگاهی، تمام عملیاتی که انجام شده به طور خلاصه در سه محور اساسی است؛ یعنی بررسی و نقد مبانی، ادله و لوازم دیدگاه اهل تسنن.

ی) بررسی و نقد اجتهاد صحابه در دیدگاه اهل تسنن از آنجا برای ما اهمیت دارد که آنان هر یک از رفتار صحابه را بر اساس اجتهاد، تصحیح، تصویب و برای امت اسلام تا قیامت، حجت معرفتی می‌کنند.^۱ بر این باوریم که این موضوع تنها مربوط به

۱- همچنان که بزرگان آن مذهب گزارش می‌دهند: «یعتهم حينئذ حجة على المسلمين يجب عليهم اتباعها» الموافق، ج ۳ ص ۵۸۹. «أصحابي كالنجوم بأيهم اقتديتم اهتديتم.» میزان الاعتدال، تحقيق على محمد البجاوي، ج ۱، ص ۶۰۷، رقم ۲۲۹۹. این بیانات و حدیث فوق و مفاد اطلاقی آن، ملتزم به اجماع اهل تسنن است. اعتقاد اهل السنة تركية جميع الصحابة و البناء عليهم.... الإصابة في تمييز الصحابة، ابن حجر عسقلاني، ج ۱ ص ۲۴.

تاریخ گذشتگان نبوده، بلکه برای نسل امروز و فردای مسلمانان، چه سنی و چه شیعه نیز اهمیت دارد؛ زیرا اثبات حقانیت مذهب عامّه، مبتنی بر اثبات همین موضوع است؛ چرا که به قدرت و خلافت رسیدن خلیفه اول و به تبع آن، همه خلفای اهل تسنن و زیر مجموعه آنان، در یک کلام، اساس حیات مذهب اهل تسنن، جز در اثر اجتهاد صحابه و حمایت آنان و کنار گذاشتن ائمه شیعه اثناعشر (علیهم السلام) و عدم حمایت از اهل بیت عصمت و طهارت، چیز دیگری نبود. بنابراین، حیات عقاید مذهب عامّه و اساس عقاید ایمانی مذهب اهل تسنن، مبتنی بر اجتهاد صحابه و امضاء مطلق رفتار آنان است؛ پس چنین پژوهشی برای نسل‌های امروز و فردای امت اسلام، علاوه بر ثمره علمی، نقش اساسی و ثمره عملی تعیین کننده نیز دارد.

ک) کتاب حاضر، محصول چندین سال فکر و تحقیق نگارنده است. اگر بگویم یک عمر با این مسئله زندگی کرده‌ام، گزافه نگفتم. همین باعث شد تا بعدها تصمیم گرفتم در این باره، مجموعه حاضر را به رشته تحریر در آورم.

ل) هرچند موضوع مورد پژوهش، در تاریخ اسلام از پیشینه بسیار کهن برخوردار است. ولی کتاب حاضر، با این عنوان، با همین روش و با چنین محتوایی، منحصر به فرد بوده و پیشینه‌ای ندارد. تا آنجا که می‌توانستم جست و جو کنم، کتاب‌های مذکور تا مرحله یأس، فحص نمودم ولی غیر از «الاجتهاد والنص» تألیف علامه کبیرشیرازی الدین که با عنوان «اجتهاد در مقابل نص» و مانند آن به فارسی نیز ترجمه شده، نگاشته‌ای نیافتم.

تنهاترین پژوهشی که شباهتی با پژوهش حاضر دارد، «الاجتهاد والنص» است که با همه مشابَهت، با هم تفاوت ماهوی دارند.

علامه بزرگوار «شرف الدین» که کتاب خود را در هشت فصل تنظیم نموده است،



صرفاً نمونه‌هایی از اجتهادات خلفای سه گانه‌ی اهل تسنن، عایشه، خالد بن ولید، معاویه و بعضی از علمای آنان را که در مقابل نصّ صریح قرآن و سنت پیامبر (ﷺ) اجتهاد کرده‌اند یاد آور شده و در خاتمه نیز شایستگی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) را برای خلافت بلافصل پیغمبر (ﷺ) بیان نموده است.

اما کتاب پیش‌روی، به چند دلیل، با آن متفاوت است:

۱- ایشان بیشتر به جنبه‌های تاریخی، فقهی و بعضاً اصولی، کلامی پرداخته است.

ولی تحقیق - حاضر:

اولاً) به نفس دیدگاه اهل تسنن در اجتهاد صحابه پرداخته است.

ثانیاً) مبانی، بطله و لوازم دیدگاه آنان را مورد ارزیابی و نقد دقیق علمی، اصولی قرار داده است.

۲- ایشان معمولاً و بیشتر به روش نقلی، عرفی و یا حدّ اکثر عقلانی پرداخته است.

ولی کتاب حاضر:

اولاً) به لحاظ بین رشته‌ای کلامی، اصولی بودن موضوع، آن را به روش کاملاً علمی با سیاق عقلی، فلسفی حلّ و فصل نموده است.

ثانیاً) مسائلی که جز به وسیله نقل؛ اعم از تاریخ و غیره، امکان اثبات نداشت، اول از متون معتبر متفق علیه، نقل، سپس آن را حدّ وسط برهان عقلی قرار داده است. بنابراین، قسمت اعظم کتاب حاضر، نوآوری و دارای نظریه پردازی بی سابقه است.

م) به طور خلاصه، فرضیه پژوهش حاضر، دو عنوان است که تحت گزاره‌های زیر بیان می‌شود:

اولاً) ما صحابه را مانند همه مسلمانان می‌دانیم و معتقدیم اجتهادات آنان نیز ترجیحی نسبت به اجتهادات دیگر مسلمانان ندارد، می‌گوییم: «هرکس اعم از صحابه و غیر

آن، در هر زمینه‌ای که اجتهاد و کوشش نموده و با هر وسیله‌ای به نتیجه‌ای دست یابد، این اجتهاد برای وی منجز، معذور و حجت نمی‌شود بلکه باید تحت حدود، ابزار، آلات و وسائلی که از سوی نصوص دین (کتاب و سنت) تعیین و مجاز شمرده شده است اجتهاد کند تا از خلال آن به احکام الله رسید باشد.

ثانیاً، اکثریت صحابه، به ابزار و حدودی که مراعات آن برای اجتهاد صحیح، ضروری است، بایبندی لازم را نداشته‌اند؛ در نتیجه! اجتهاد اکثریت صحابه، نه معذور، نه منجز و نه حجت است؛ اجتهادات آنان قابلیت التزام نداشته و فاقد دفاع عقلانی و عقلانی است.

ن) با توجه به مفادی که در بیانات فوق گذشت و نتیجه‌ای که از آن به دست آمد، اهم اهداف کتاب ما را تشکیل می‌دهد: بنابراین، فوائد این کتاب، نظریه پردازی بودن کم نظیری است که می‌تواند به عنوان شمع هدایت، به ارتقای علمی اندیشمندان متخصص بیانجامد.

س) روش کتاب حاضر، به عنوان کبری، استدلال به براهین مورد تأیید عقل، عقلاء و شرع مبین است، این روش، همچنان که بیان گردید، لزوماً منحصر به پاره‌ای از اصطلاحات خاصی که احیاناً در یک علم خاصی به کار گرفته می‌شود نبوده بلکه مواد استدلال‌های آن براهینی هستند که همانند آلت و ابزاری که در هر علمی برای مقیاس حق، به کار گرفته می‌شوند. با این ویژگی که از اتقان و استحکام لازم نیز برخوردار است می‌تواند مسترشدین را ارشاد و اجتهادات مجتهدین را تصحیح و تکمیل نماید.

ع) در کتاب حاضر، اطلاعات لازم با روش کتابخانه‌ای به دست آمده و قبض و بسط آن، به روش تحلیلی، اندیشه‌ورزی است که از منابع مهم دست اول گردآوری شده

است؛ حتی مواردی را که به وسیله منبع غیر دست اول به ما رسیده بود، رأساً با منابع دست اول تطبیق داده و به هیچ وجه، به منبع غیر دست اول اکتفاء ننموده‌ایم.

ف) اما به عنوان صغری، روش پژوهش و اهمّ نتایج حاصله آن، بیانات زیر است:

۱- با استفاده از منابع معتبر، واژه «اهل تسنّن» را از دیدگاه عالمان خود آن مذهب، تعریف کرده‌ایم.

۲- با استفاده از منابع معتبر نزد اهل تسنّن، تعریف خود را از صحابی بیان کرده‌ایم.

۳- اجتهاد را تعریف و محدودیت و قلمرو آن را اثبات ننموده‌ایم.

۴- منشأ حدود آن را واکاوی کرده و آن را در مستقلات عقلیه، عقل و در غیر مستقلات عقلیه، دین معرفی ننموده‌ایم.

۵- سپس عدم مخالفت با طاعة الله، طاعة النبی و طاعة «اولی الامر مطلق» را مصادیق حدود اجتهاد مجتهدان معرفی کرده‌ایم.

۶- با استفاده از منابع معتبر، با ادله عقل و شرع، عصمت «اولی الامر مطلق» را اثبات ننموده‌ایم.

۷- با توجه به درون دینی بودن اجتهاد، لزوم وجود ابزار و تعیین آن از سوی نصوص دین (کتاب و سنّت) را در هر اجتهاد درون دینی، اثبات کرده‌ایم.

۸- به عنوان صغری، نمونه‌هایی از رفتار و اجتهادات خلفاء اصحاب را تحقیق نموده و وضع آشفته بازار برخورد با سنّت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در عصر ابوبکر، عمر، عثمان و معاویه را با بیان مصادیق صغری، نقد کرده‌ایم.

۹- با استفاده از منابع معتبر فریقین، شبهات مقتضی و لازم الطرح را

مطرح و پاسخ مقتضی را نیز بیان کرده‌ایم.

۱۰- استفاده از عناوین مسائل اعتقادی، ولایی، نیز وقایع تاریخی، اجتماعی، همه بر اساس روشی هستند که حدّ وسط براهین کتاب حاضر را تشکیل می‌دهند.

۱۱- بدین وسیله، در کتاب حاضر، اسلوبی را برای اجتهاد ارائه داده‌ایم

که:

اولاً) مورد وفای همه متدینین و اهل تفکر دینی باشد.

ثانیاً) بدان سبب، اجتهادات صحیح از سقیم، خصوصاً اجتهادات صحابه، سنجیده و شناخته شود.

ثالثاً) بایدها و نبایدهای اجتهاد صحیح مشخص گردد، بایدهای آن جذب و محفوظ مانده و نبایدهای آن کنار رود برای همین است که از این کتاب به عنوان منطق اجتهاد نام می‌بریم

ص) با توجه به این که هر نقدی باید مسبوق به فهم دقیق باشد و فهم دقیق نیز در سایه تعریف دقیق، میسر است؛ بنابراین نخست باید فهم درستی از مبانی نظریه و دیدگاه اهل تسنن نسبت به صحابه و اجتهادات آنان داشته باشیم. دیدگاه اهل تسنن در اجتهاد صحابه نیز بر مبانی آشکار و پنهان چندی استوار است که خودمان بیان می‌کنند. بعضاً هم به بیانشان جاری نمی‌کنند ولی عملاً بر اساس همان مبانی عملی می‌کنند. بر خلاف ادله، از ویژگی‌های بارز بسیاری از مبانی در بسیاری از مکاتب، همین پنهان و غیر بین بودن آن است که در لایه‌های زیرین دعاوی پوشیده می‌شوند. همین امر نیز، هم فهم و هم نقد آن را مشکل می‌نماید. در چنین صورتی معمولاً از طریق دفع دخل مقدر، قابل شناسایی می‌شوند.



دعای‌ای که اهل تسنن در اجتهاد صحابه، لازم الاتباع، معذر، منجز و حجت بودن اجتهادات آنان مطرح کرده و بدان ملتزم می‌شوند، همه برخاسته از چنین مبانی است؛ هرچند ممکن است خود اهل تسنن قبول نکرده و به ظاهر منکر شوند، اما واضح است که اگر مبانی آنچنانی نداشته باشند، چگونه ممکن است به مدعایی ملتزم شوند که لازمه لاینفک چنین مبانی‌ای است.^۱

ق) از آن جا که باید از چیشی که در اجزای ساختمان کتاب ایجاد کرده‌ایم دفاع کنیم، باید به صورت منطقی توجیه شود که چرا کتاب حاضر در چند قسمت یا فصل، سامان یافته است. آنچه که در گزارش تحقیق آورده و آنچه نیآورده‌ایم باید عاقلانه و منطقی توجیه شوند، بر این اساس، ساختار بحث، در کتاب حاضر، به شرح زیر است:

۱- همان‌گونه که بیان گردید، نظر به این که مقصود ما از «بررسی و نقد دیدگاه اهل تسنن در اجتهاد صحابه»، استدلال به راهین عقلی و شرعی است. با توجه به حیثیت تلفیقی اصولی، کلامی بودن موضوع کتاب حاضر، استدلالی مورد استفاده ما است که لزوماً منحصر به پاره‌ای از اصطلاحات خاص نیست که احیاناً در یک علم

۱- مثل التزام اهل تسنن به قدرت و خلافت رسیدن خلیفه اول و به تبع آن، همه خلفا و زیر مجموعه آنان. نیز رضایت اهل تسنن از صحابه نسبت به عدم حمایت آنان از اهل بیت پیامبرشان (علیهم‌السلام)، تنها و بی‌کسرها نمودن اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) در بلایای گوناگون، خلاصه کنار زدن ائمه شیعه اثناعشر که مسلمات تاریخ، گواه آن است. واضح است که چنین التزام و چنین رضایت‌مندی عموم اهل تسنن به این بهانه است که رفتارهای صحابه همه بر اساس اجتهاد بوده و بر جمیع مسلمین حجت است؛ هم‌چنان که مطلق اهل تسنن به این روایت ملتزمند که: «أصحابی کالتجوم بأئیم اقتدیتم اهتدیتم» ذهبی، میزان الاعتدال، تحقیق علی محمد البجاوی، ج ۱، ص ۶۰۷، رقم ۲۲۹۹. نیز بسیاری از بزرگان اهل تسنن مانند صاحب المواقف گفته: «یبعثهم حیثن ذی حجة علی المسلمین یجب علیهم اتباعها». المواقف، ج ۳ ص ۵۸۹. این‌گونه دعای، البته که لازمه لاینفک آنچنان مبانی‌ای است و لا غیر.

خاصی پیدا می‌شود. بلکه مواد استدلال‌های ما، ادله‌ای هستند که مطلب را با براهین مسلم عقلی و شرعی اثبات می‌کنند. با توجه به اصحاب رسول الله (ﷺ) و جایگاه آنان نزد اهل تسنن، نظر به این که مهمترین اصول آنان را اجتهادات صحابه و امضاء رفتار آنان، شکل می‌دهد؛ با کوچک‌ترین تأملی روشن می‌شود که اساس حقانیت حیات مذهب عامه و عقاید ایمانی مذهب اهل تسنن، مبتنی بر اجتهادات صحابه است.^۱ از سوی دیگر، طبق دیدگاه آنان تمام اجتهادات صحابه تا قیامت برای امت اسلام، هم حجت، معذر و هم منجز است،^۲ بنابراین، آن را به عنوان «بررسی و نقد دیدگاه اهل تسنن در اجتهاد صحابه» نیز نام نهاده‌ایم.

۲- برای این که با مخاطب خود وحدت رویه داشته باشیم، لازم بود از باب مفهوم شناسی، منظور خویش را نسبت به تعاریف بعضی از عناوین مهم بیان کنیم. که اگر این عناوین را تعریف نکرده بودیم، مقصود ما برای مخاطب مشخص نبوده و موجب سوء برداشت می‌شد. بنابراین، فصل اول را در دو گفتار به شناخت مفاهیم و کلیات

۱- به نحوی که اگر چنین اجتهادی را از اعتقاد اهل تسنن سلب کنیم، بر این تصور باشیم که عقائد و احکام دینی را از قرآن و سنت پیامبر (ﷺ) که از طریق اهل بیت معصوم حضرتش (علیهم‌السلام) به ما رسیده است اخذ می‌کنیم، اقوال، اعمال و رفتار اجتهادی صحابه همانند سایر مسلمین لزوماً برخاسته از دین نبوده و ربطی به دین ندارد، تصمیمات و اجتهاداتشان، مثل اجتهادات سایرین بوده، از هیچ ترجیحی برخوردار نیستند، اساس مذهب دینی اهل تسنن، جمیع احکام عبادی آنان نابود خواهد شد.

۲- همچنان که صاحب المواقف گفته: «یعتهم حیثئذ حجة علی المسلمین یجب علیهم اتباعها». المواقف، ج ۳ ص ۵۸۹. «أصحابی کالنجوم بأنهم اقتدیتهم اهتدیتهم». ذهبی، میزان الاعتدال، تحقیق علی محمد البجاولی، ج ۱ ص ۶۰۷، رقم ۲۲۹۹. این حدیث و مفاد اطلاقی آن، ملزم به اجماع اهل تسنن است. «أن التابعین أجمعوا علی اتباع الصحابة فیما ورد عنهم والأخذ بقولهم والفتیاء به من غیر نکیح من أحد منهم وکانوا من أهل الإجهاد أيضا... إجمال الإصابة فی أقوال الصحابة، صلاح الدین أبو سعید خلیل، ج ۱ ص ۶۶. «اعتقاد أهل السنة تزکیة جمیع الصحابة والنساء علیهم... الإصابة فی تمیز الصحابة، ابن حجر عسقلانی، ج ۱ ص ۲۴.

اختصاص داده‌ایم.

۳- نظر به این که این گونه تعاریف، برای این که به عنوان «اصل موضوعی» مطرح می‌شوند، به لحاظ رعایت اختصار از نقد مفصل آنها خود داری کرده‌ایم.

۴- با توجه به موضوع کتاب، سؤال اصلی تحقیق، عبارت است از «دیدگاه

علمای اهل تسنن در اجتهاد صحابه چیست و چه نقدهایی بر این دیدگاه وارد است؟» و سؤالات فرعی آن نیز عبارت از سه پرسش زیر است:

الف) مبانی دیدگاه اهل تسنن در اجتهاد صحابه و اشکالات وارده براین مبانی چیست؟

ب) ادله دیدگاه اهل تسنن در اجتهاد صحابه و اشکالات وارده بر این ادله چیست؟

ج) چه آثار و پیاده‌هایی بر دیدگاه اهل تسنن در اجتهاد صحابه مترتب است؟

۵- هریک از سؤالات فرعی را یک فصل مستقل قرار داده‌ایم. به لحاظ این که از نظر فنی، بخش، وجود اعتباری دارد. بنابراین، در این کتاب از عنوان «بخش»، خود داری نموده‌ایم.

۶- برای اینکه متهم به مبنا پنداری غیر مستند نباشم، هر کدام از آن مبانی را به دیدگاه‌های صاحب نظران بزرگ اهل تسنن مستند سازی نموده، سپس آن را تبیین، تحلیل و نقد کرده‌ایم.

۷- در کتاب حاضر، بناء به آموزه‌های ائمه دین که فرموده‌اند: «و انظر الی ما قال ولا تنظر الی من قال»^۱ آنچه که مورد نقد است، نفس «ما یُجمع علیه» یا سایر دعاوی اهل تسنن است نه اجماع مجمعین و یا سایر گویندگان آنان.

^۱ - عقل و فکر تو را شخصیت گوینده سخن، مشغول نکند توجه کن و بین چه سخنی گفته می‌شود، غرر الحکم و درر الکلم، آمدی، ج ۱ ص ۱۷ ح ۶۱۲.

۸- با توجّه به بیان تعریف اجتهاد و طبیعت گسترده قلمرو آن، مقصود از اطلاق و عدم آن نیز به یکی از دو صورت زیر است: «آیا هر کس در هر زمینه‌ای که کوشیده و به نتیجه‌ای دست یابد، منجّز، معدّر و حجّت است؟» هم‌چنانکه مقتضای دیدگاه بسیاری از اهل تسنن همین است.^۱ یا «باید تحت حدود، ابزار، آلات و وسائلی که از سوی نصوص دین (کتاب و سنت) تعیین و مجاز شمرده شده اجتهاد کند تا از خلال آن به احکام الله رسید باشد؟»

التزام به مطلق بودن اجتهاد، مستلزم توالی فاسدی است که در متن کتاب، توضیح داده‌ایم. بنابراین به مطلق بودن اجتهاد، بلکه محدود بودن آن را اثبات نموده‌ایم.

۹- پژوهش در هر امر محدودی، محتاج به شناسایی حدود و قلمرو آن است؛ با توجه به این که در کتاب حاضر مراد از حدود نیز مطلق حدود نبوده، بلکه حدود اجتهاد، مورد نظر است؛ بنابراین، عدم مخالفت با طاعة الله عزّوجلّ، طاعة النبی (صلی الله علیه و آله و سلم)، طاعت اولی الامر مطلق (علیه السلام) و حق طاعت مطلق آنان را مصادیق حدود اجتهاد و قلمرو آن معرفی کرده‌ایم. برای این که مشتم به ادعای بی دلیل نباشیم، مصادیق فوق را با براهین عقل و شرع اثبات کرده‌ایم.

۱۰- چهار مطلب را به عنوان تنمه مبحث حدود و ابزار اجتهاد روشن کرده‌ایم که یکی تفاوت حدود و ابزار اجتهاد، دیگری اتحاد حدود و ابزار؛ تبیین کرده‌ایم که آیا یک شیء می‌تواند هم حدود و هم ابزار اجتهاد قرار گیرد؟ سوّمی لزوم التزام به ابزار

۱- فکل بشر یصیب و یخطئ و هو معذور فی خطئه بل مأجور أجراً واحداً و إذا کان بعد تحرّ و اجتهاد و استفراغ الوسع فی الطلب. الردّ الامین علی کُتب عُمر أئمة الإسلام وردة السهام والقول المبین مؤلف: شریف مراد أبو عمرو ج ۱ ص ۹ و ۱۵. الترتیب الفرید من شروحات کتاب التوحید، رتبه و أعده أبو توحید لقمان حسن امین ج ۱ ص ۳۶. فتح المجید شرح کتاب التوحید، تألیف عبد الرحمن بن حسن آل الشیخ، ج ۱ ص ۲۳.

و حدود الهی و چهارمی وجود اجماع، چگونگی و جایگاه آن است که آیا داخل در عنوان حدود است یا ابزار یا هیچ کدام؟ اگر این کار را نکرده بودیم ممکن بود مطلب برای مخاطبین، مبهم بوده و خلط شود.

۱۱- برای این که هر مبنایی مبتنی بر یک سری ادله است، نظر به طبیعت نقد، لازم بوده بعد از نقد مبانی به نقد ادله اهل تسنن در اجتهاد صحابه بپردازیم، که در

تحقیق حاضر، این کار در فصل سوم انجام گرفته است.

۱۲- با توجه به این که هر مبنایی مبتنی بر یک سری ادله و لوازم است، نظر به طبیعت نقد، لازم بود بعد از نقد مبانی و ادله اهل تسنن در اجتهاد صحابه، به نقد لوازم و پیام های مبنای آنان نیز پرداخته شود، این کار را در فصل چهارم انجام داده ایم.

۱۳- با توجه به این که از یک سو به لحاظ ادله مسلم مستقلات و اولیات عقلیه و دلالات غیر قابل چشم پوشی ادله مسلم نقلیه، کتاباً و سنتاً «اولی الامر (علیه السلام)» حدود اجتهاد مجتهدان هستند، از سوی دیگر خود «اولی الامر (علیه السلام)» در بین صحابه، محل دعوی بوده و اساساً اصل نزاع و تقسیم اقت به دو فرقه نیز به همین مسئله بر می گردد، از سوی سوم، اهل تسنن نیز بر اساس درون مذهبی خویش نسبت به «اولی الامر (علیه السلام)»، نظر متفاوتی دارند.^۱ بنابراین، در بررسی و نقد آثار و لوازم، از عدم پایبندی صحابه در اجتهاداتشان نسبت به «اولی الامر (علیه السلام)» سخنی به میان نیاورده ایم، که در غیر این صورت، ممکن بود کتاب حاضر، متهم به مصادره

۱- طبق دیدگاه اهل تحقیق و مذهب حق، اولی الامری که قرآن اطاعت آن را مطلقاً مطالبه می کند «اولی الامر مطلق» است. که در این صورت مستلزم عصمت «اولی الامر» و طاعت آن بر هر مکلفی لازم است. ولی طبق دیدگاه اهل تسنن، آن «اولی الامر»، «مطلق اولی الامر» است؛ در نتیجه نه مستلزم عصمت و نه لزوم طاعت آن است.



به مطلوب نیز باشد.

۱۴- به بعضی از شبهاتی که پرداختن به آن لازم بود، پاسخ داده‌ایم. اگر این کار را نکرده بودیم پژوهش کتاب ما، ناقص و ناتمام جلوه می‌نمود.

۱۵- گردآوری اطلاعات لازم با شیوه کتابخانه‌ای، بیش از ۲۱۵ منبع از منابع دست اول است؛ همان‌گونه که قبلاً گفتیم حتی مواردی را که به وسیله منبع غیر دست اول به ما رسیده بود، رأساً با منابع دست اول تطبیق داده و به هیچ وجه، به منبع غیر دست اول اکتفاء نکرده‌ایم.

و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب.^۱

سید محمد رحمانی ۱۳۸۳/۸/۱۹